

اول ماه مه - روز همبستگی پرولتاریای جهان

در زمانی که در کشورهای سوسیالیستی بویژه آلمان و چین طبقه کارگر از بند استثمار و ستم طبقاتی رسته و جامعه نوین سوسیالیستی آفریده است و اکنون همراه با توسعه تولید و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا سراسر روستای جامعه را در گروین میسازد و در زمانی که پرولتاریای این کشورها امسال نیز مانند سالهای گذشته روز اول ماه مه دستاوردهای بزرگ خود را در مبارزه بظابط ساختار سوسیالیسم و حفظ و استحکام دیکتاتوری پرولتاریا جشن میگیرد، پرولتاریای کشورهای سرمایه داری روز اول ماه مه را در شرایط ادامه بحران سرمایه داری با تمام عواقب ناشی از آن میگذراند، بحرانی که زندگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را از بند به بند تر کشانیده است. در واقع روزی تمام بار عواقب بحران را که مسئول آن خود او و نظام آفریده او است بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان میگذارد. در نتیجه تضاد میان کار و سرمایه پیوسته شدت مییابد، مبارزه طبقاتی دامنه و وسعت بیشتری میگیرد و پایههای فرمانروایی بورژوازی را بسختی میلرزاند. در چنین شرایطی است که پرولتاریای جهان سرمایه داری بار دیگر روز اول ماه مه را با شعار همبستگی همه کارگران در مبارزه کار علیه سرمایه برگزار میکند.

برای طبقه کارگر ایران تحت رژیم ضد ملی و ضد کارگری "شاهنشاه" این امکان نیست که بتواند روز همبستگی کارگران را با تظاهرات نیرومند و با شعارهای رزمنده خود برگزار کند. برای شاه که با "انقلابات" روزمره خود گویا "طبقات را از بین ببرد" و همراه با آن "جنگ طبقاتی" را نیز نابود کرده است روز اول ماه مه روزی تشریفاتی است که باید به دعا و شای "ملوکانه" اختصاص یابد. شاه احضار می پندارد که با هدیههای شاهانه قادر است طبقه کارگر ایران را که دارای سنت های طولانی مبارزه و تجربه مبارزه و آگاهی طبقاتی است از مبارزه باز دارد و او را رام و سرسبز قربانی استثمار می بند و بار سرمایه داران بزرگ خارجی و داخلی گرداند. طبقه کارگر ایران، این نیروی تا پایان انقلابی، این رسالت تاریخی را برعهده دارد که جامعه کهنه را براندازد و جامعه ای نوین بجای آن بنشاند. این نقش طبقه کارگر ضرورت عینی دارد و هیچ نیروی در جهان و کثر از همه تلاشهای مذبحخانه شاه و رژیم او نخواهد توانست طبقه کارگر ایران را از اجرای این نقش تاریخی باز دارد.

طبقه کارگر ایران علی رغم دشواریها و مشکلات گوناگون سرانجام حزب سیاسی خود را احیا خواهد کرد و تحت رهبری حزب خود در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و ده، رژیم شاه، این فکر تاریخ ایران و جامعه انسانی را سرنگون خواهد ساخت و خود را همراه با همه خلق های ایران از ستم ملی و طبقاتی خواهد رهانید.

خجسته باد اول ماه مه، روز بین المللی پرولتاریا!

دروود به طبقه کارگر قهرمان ایران!

دروود برشور به طبقه کارگر سراسر جهان و در رأس آن طبقه کارگر آلمانی و چین!

زنده و استوار باد انترناسیونالیسم پرولتری!

در زیر پرچم ظفر نمون مارکسیسم - لنینیسم به پیش سوی احیا حزب طبقه کارگر ایران!

پنجاه سال در خدمت استعمار

ما تهیه می بیند و آنرا بادست رضاخان بمورد اجرا میگذاشت. امپریالیسم که میخواست دنیای نو را که پرولتاریا روس تحت رهبری لنین و استالین به آفریدن آن پرداخته بود از دنیای کهنه جدا کند، به کشیدن دیواری آهنین در برابر اتحاد شوروی پرداخت. ایران یکی از حلقه های این دیوار بود. امپریالیسم با دست حکومت رضاخان که او را به سلطنت رسانید، همه عناصر و نیروهای انقلابی را سرکوب کرد. پرولتاریای ایران و سازمانهای صنفی و سیاسی و رهبران به سختی مورد هجوم ارتش و پلیس رضاخان قرار گرفتند؛ نزدیک بیست سال کشور ما به گورستان آرامی تبدیل گردید؛ یک نسل تمام از افکار انقلابی، از جنبش انقلابی بی دور ماند. سرکوب نیروهای مرفی و انقلابی زمینه را برای انعقاد قرارداد جدید نفت فراهم آورد. رضاخان وظیفه نوکری را نیز بوجه احسن انجام داد. در حالی که تبلیغات رژیم رضاخان در باره پیروزی خلق ایران بر شرکت نفت جنوب و امپریالیسم انگلستان هیاو و جنجال فراوانی براه انداخته بودند، قرارداد اسارت آور جدیدی جای قرارداد قدیم را گرفت و ذخائر نفت ایران را برای مدت بیشتری با بهائی ناچیز در اختیار امپریالیسم انگلستان گذاشته شد. روزنامه های مزدور مداح رضاخان همان اندازه در باره این قرارداد داد سخن دادند و آنرا ستودند که درباره قرارداد ۹ مرداد ۱۳۰۲ در آلمان هم تبلیغات رژیم تحت عنوان "سازمان پرورش افکار" رضاخان را "نابغه عظیم الشان" نامید، کشور ایران چهارم نعل بسوی "دروازه های تمدن بزرگ" میبافت، ارتش ایران آنچنان نیرومند بود که میتواند در برابر ارتش سرخ شوروی یک نفس تا قلب میکو پیش برود، مجلس شورا مرکب از نمایندگان منتخب شاه، رژیم فاشیستی رضاخان جلوه ای دموکراتیک می بخشید. توکشی وضع امروز ایران تصویری از وضع دوران رضاخان است منتها در شرایط دیگر و در مقیاس و ابعاد دیگر. حادثه سوم شهریور ۱۳۲۰ رژیم رضاخان را در محک آزمایش قرار داد: ارتش نیرومند رضاخان ظرف یک روز از هم پاشید، افسران ارتش و پلیس که بیست سال بمردم زور گفته بودند از ترس مردم در خانه های خود پنهان شدند یا تهران را ترک گفتند. فساد و جنایات فرزندان ذکور و انانث رضاخان از پرده بدر افتاد، پیشرفتهای عظیم ایران چیزی جز خواب و خیال از آب در نیامد.

"نابغه عظیم الشان" بجای دفاع بقید صفحه ۲

در بار پهلوی امسال پنجاه سالگی سلطنت سلطنت پهلوی را جشن میگیرد اما تاریخ پنجاه سال پیدادگری جنایت و خیانت و دودمان را محکوم میکند، تاریخ پنجاه ساله سلطنت پهلوی در واقع تاریخ سلطه امپریالیسم بر ایران متابع غارت بلا مانع ثروتهای کشور و دسترنج مردم ما بدست تاراجگر داخلی و خارجی، تاریخ اسارت خلق های میهن ما و محرومیت مردم ما از کلیه حقوق و آزادیها، محرومیت از ابتدائی ترین شرایط زندگی انسانی است. دودمان پهلوی میتواند بخاطر ثروتهایی که طی پنجاه سال از دزدی، ارتشا، غصب اموال دیگران و قاچاق مواد مخدر و استثمار بی حساب کارگران و زحمتکشان ایران اندوخته بر روی استخوانهای قربانیان سلطه پهلوی جشن برپا کند ولی با جعل و تحریف نمیتواند تاریخ را بسود خویش تغییر دهد.

انقلاب اکبر پرولتاریای روسیه عصر نوینی در تاریخ جهان کشور، عصری که پرولتاریا در مرکز آنست، عصری که خلق های یکی پس از دیگری بر رهبری پرولتاریا جامعه کهنه، جامعه سراسر استثمار و ستمگری را برمی اندازند و بجای آن جامعه نوین فارغ از ستم ملی و طبقاتی می نشانند. اما ایجاد چنین جامعه ای نوین بدون مقاومت سرسخت استثمارگران و ستمگران صورت نمیگیرد. طبقات ستمگر و استثمارگر در برابر زوال و نابودی حتی خویش مقاومت بخرج میدهند تا هرچه بیشتر خود را در صحنه تاریخ نگاه دارند و هرچه بیشتر اضلال خود را بتابخیه اندازند. آنها مانند درندهای که خود را در آستانه مرگ می بینند با درندگی و سببیت به پرولتاریا و توده های زحمتکش پرورشی برند تا از انقلاب و نابودی خویش جلوگیری کنند. مقاومت و نیروهای ارتجاعی، نیروهایی که دوران آنها سپری گشته و باید به موزه تاریخ سپرده شوند، در برابر نیروهای انقلابی رشد یابنده و منادی جامعه نوین از خصوصیات تکامل جامعه انسانی است.

انقلاب اکبر ناقوس مرگ بورژوازی و مالکان ارضی را بمدا در آورد. تحت تاثیر انقلاب اکبر جنبش های ضد امپریالیسم در ایران بویژه جنبش های مسلحانه در شمال ایران اوج گرفت و سلطه امپریالیسم انگلستان را در ایران مورد تهدید قرار داد. نفوذ افکار انقلابی در شمال، پایه های منافع آزد مندانه انگلستان را بلرز در آورد. در چنین شرایطی است که امپریالیسم انگلستان نقشه یک رژیم متمرکز فاشیستی را برای میهن

توفان

۱۰۴

دوره سوم

امکان سازماندهی کشتی توفان

مشت نیرومند کارگران بر بالای سر رژیم شاه

زمستان گذشته کارگران دوبر آهن نیرومندترین اعتصاب های کارگری سالهای پس از کودتا را براه انداختند، اعتصاب های هماهنگ و سازمان یافته بیش از سی هزار کارگر که در زیر سایه سرسبز و ترور انجام میگرفت از یکسو آنچنان سریع و ضاف کیزانه بود که گردانندگان کارخانه و مامورین رژیم را در وحشت و آشفتگی بی سابقه ای فروبرد و از هرگونه اقدام پیشگیرانه باز داشت و از سوی دیگر آنچنان شعارهای دقیق و روشنی را مطرح میساخت که توانست نمای ارتش قدرتمند کارخانه را به حرکت در آورد و خواسته های آنان را به کرسی بنشاند نخستین اقدام دسته جمعی و شدید اعتراض آمیز در دیماه صورت گرفت جریان از این قرار بود که کارگرانی که در شهرک ها و روستا های مسیر اصفهان - دوبر آهن زندگی میکنند بدلیل دشواری های فراوانی که جهت رفت و آمد بکارخانه با آن مواجه بودند و از جمله عدم توقف اتوبوسهای سر و سر در بین راه، یکسک بلوکهای سیمانی، تیرهای چوبی و بشکه های قیر (تیرهای چوبی را با میخ به بشکه ها میدوختند) جاده را بر روی پل فلا ورجان مسدود میسازند بطوریکه اتوبوسهایی که بجانب دوبر آهن در حرکت بودند بدنیال یک دیگر متوقف گردیده و صف بسیار طولانی را تشکیل میدهند. تا اینکه از دوبر آهن در خواست مداخله میگردد و دهها کامیون زاندارم جهت شغل کردن کارگران و برچیدن موانع آنان بجانب منطقه مزبور روانه میشوند، هنوز پای زاندارمها بزمین نرسیده بود که صفوف بزرگی از روستائینان اطراف که از هجوم زاندارمها بخشم آمده بودند به انبوه کارگرانی که هر لحظه بر تعداد آنها اضافه میشد پیوسته و به پشتیبانی آنان شعارهای دسته جمعی سر میدهند و یکی از افسران را که دیوانه وار بجانب کودکان وزنا و مردان بیدفاع حمله ور گشته بود ادب مینما یبند بطوریکه دیگران تا پایان ماموریت اجرات کوچکترین خرگی نیز بخود نمی دهند، مسئولین کارخانه که از جریانات فوق بکی گنج و مهوت شده بودند بلا فاصله موافقت خود را با خواسته های کارگران اعلام نموده و از فردای همان روز سرویسهای مرفی را در اختیار کارگران قرار میدهند تا اینکه پس از چند روز که تصور میکردند دیگر آنها از آسیاب خوابیده بدستگیری عد زیادی از کارگران اقدام مینما یبند، ظاهرا رهبرها را گرفته بودند و حال دست کم تا یکی دو سال می توانستند با خیال آسوده بسر ببرند و اما برخلاف انتظار در دانه الله عظم (شبیانی رئیس کارخانه) و مامورین ریز و درشت امنیتی این آراش قبل از توفان چندان دوام نمی آورد و در نخستین روزهای اسفند سیلی عظیم و خروشان با شرکت بیش از سی هزار کارگر در کرمان و اصفهان بحرکت در میاید و کارگرانی که از دوبر آهن بدست حقوقهایشان بشدت خشمگین شده بودند به نیرومندترین سازمان یافته ترین اعتصابات سالهای اخیر ایران مبادرت میورزند کارها دقیقاً تقسیم شده است و درشت نظیر آنچه بهنگام تولید صورت میگردد همه چیز با انضباط خاص خود همراه است، دستهای از کارگران جریان برق را قطع میکنند، دست دیگری شیرهای آب را می بندند، گروهی مخازن آب را تخلیه می نمایند، عدهای تلفن را از کار می اندازند، برخی نیز شیر فلکه ها را زیر خاک میکنند و بالاخره دستهای نیز با میخ و چکش بجان چرخ اتوبوسهای روسا و مهندسان افتاده اند تاخدای نکرده خیال گریز و خبر رسانی بمشوران نرزد، بدین ترتیب سرتاسر کارخانه بدت سه روز ناملا فلج میگردد و بیش از سی هزار کارگر به محمد رضا شاه و دارود ستایش می فشانند که همان بازوان نیرومندی که چرخهای عظیم را بخاطر دیگران بحرکت در میاورند همانها نیز میتوانند بقید صفحه ۲

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران!

از وضع کارگران و کشاورزان

شاه در محاسبه خود با روزنامه نگاران میگوید :
۹۵٪ کارگران تقاضای خرید سهام کارخانه ها را کرده اند و کارخانه داران نیز در اجرای اصل سیزدهم انقلاب شرکت کرده اند . . . البته شروع این کار در آن اصل سهیم شدن کارگران تا بیست درصد سود سهام بود .
در مورد کشاورزان :

روستائیشان باعث اولیه فکر انقلاب ۶ بهمن می باشد . . . در آن موقع ۷۵٪ جمعیت مملکت روستائیشان بود و اغلب شان در یک زندگی فئودالی بسر میبردند که برای ایران غیر قابل قبول بود . . . فقط کافی نیست کمروستائی صاحب زمین اش بشود باید این زمین باو درآمد کافی بدهد .

ده یالغیز آتاج

با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ نفر یکی از دهات سندج است در این ده نسبتا بزرگ شخصی بنام نسان سندجی بیش از ۳۰٪ زمین های آباد را در اختیار دارد ، او صاحب خانه بزرگی با برق مخصوص و حمام خصوصی است و یکی از فامیل های سندجی بنام حشمت خان از دیکتاتورهای محل است . کشاور محل او و قدرتش را بخوبی می شناسند . اوست که با روسای زاندارم و دولتیان روابط حسنه دارد و حتی بگفته خودش او هرچه در میآورد همه را بشکم این یا آن رئیس میکند و شخص دیگری بنام حاج علی خان که اقلا ۱۵٪ زمین های ده را صاحب است دارای کمپاین و تراکتور است . و مالک دیگری بنام غلام قبادی که دارای ۲۰ موتور آب نیز میباشد ریاست خانه انصاف را دارد و کدخدای ده نیز از مالکان قدیمی بوده صاحب نفوذ و فوق العادای است و اوست که میتواند بزنبهای مردم تجاوز کند . و در فاصله دیگر بنام میرزا علی ولی دارای اراضی زیادی هستند و در ضمن تراکتورهای را نیز در اختیار دارند .

این مالکان در جمع بیش از ۶۵٪ زمین های ده یالغیز آتاج را صاحبند که در ضمن نزدیک به ۹۰٪ زمین های آباد را شامل میشوند .

البته باید اضافه کرد که مامورین اصلاحات ارضی دوره سوم برای مدت سه روز در این ده در خانه حشمت خان به مهمانداری کدخدا مشغول حساب کردن عرق و طول سنگلاخ های این ده وسیع بودند و حتی مسائل ده های مجاور را نیز در همین جاحل کردند و بالاخره از نتایج اصلاحات ارضی ملوکانه و ترحم کدخدایان مساعدت بانک تعاونی کشاورزی و موتور آب با مخارج کمرشکن اخذات گردید ولی بعد از مدت کوتاهی محظوم گردید که دهقانان فقط صاحب یک موتور آب میباشد و آن دیگری به آقای کدخدا تعلق دارد .

همانطوریکه انتظار میرفت بعد از مدتی موتور دهقانان از کار افتاد ، و کدخدا و قبادی رئیس خانه انصاف حاضر شدند در آنرا ۱٪ محصول آب مزارع دهقانان را تأمین کنند . و در دو سال اخیر وضع دهقانان این ده چنانچه وخیم شد که اکثر آنها گاو دارند و نه تخم ، این وظیفه را نیز

صحت . . . بقیه از صفحه ۱ بخاطر خود از کار باز دارند . ۶ هزار مشت گره کرده پاسخ گویند های بود که بشکر دهان کیف یاهو گیان رژیم فروید میآمد ، یاهو گیانی که همه جا در کوچه و بازار از رادیو و تلویزیون نعره سر میدهند که در عصر مشغول پهلوی ، کرگ و میش از یک جوی آب میخورند . آری در چنین اعتصابهایی است که خلق به نیتسروی بیکران خویش پی میبرد و با کسب تجربه خود را برای پیروزیهای بزرگتری که در انتظار اوست آماده میسازد و نه در اقدامات منفرد گروههای پراکنده و جدا از توده ها هرچند که اقدام آنها بخاطر انگیزه های مبین پرستانه باشد .

کارگران نواب آهن تهدید کرده اند که هرگاه روستائیان شان را که هم اکنون در زندانها بسر میبرند آزاد نسازند دست به اعتصاب خواهند زد .

به پیش در راه سازمان دهی طبقه کارگر ایران !
درد به کارگران مبارز نواب آهن !
زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان !

در آنرا ۱٪ محصول میرزا علی و میرزا ولی و حاج علی خان بر عهده دارند ، چون آنها هم تراکتور دارند و هم تخم . شتن اکنون بیش از ۳۰ درصد مردان این ده بخاطر نداشتن امکانات کشاورزی و مقروض بودن آنها بمالکین و بانک کشاورزی به شهرهای اطراف پراکنده شده اند و با صلاح حدید رئیس خانه انصاف بعضی از آنها که اموال جزئی داشتند ضبط گردیده است .

ده شجاع آباد

این ده تقریبا ۱۷۰ تا ۱۸۰ نفر جمعیت دارد ، یکی از ملاکین قدیمی و بانفوذ این ده شخصی بنام زر علی ناصر آبادی است و اینک بیش از ۱٪ ده را صاحب است و در زمان اصلاحات ارضی جز " معتمدین ده " و مشاورین مامورین اصلاحات ارضی بود و اوست که یکی از مبلغین بانک تعاونی کشاورزی است و اینک نیز کدخدای ده است و از سه سال باین طرف دهقانان به هنگام به بانک تعاونی شب و روز خواب ندارند . در دهقتهای نیست که مامور وصول با یک زاندار چهار ده نشود اگر دهقانی هنوز رمقی در بساط دارد ، مامور بانک قرض آورا با ربحش تهدید میکند و اگر این امکان نیست آنرا اموال دهقان بیچاره مصادره شده و جاذبها بمعرض فروش گذارد می شود . از آن جمله دهقانی بنام بخش علی کریمی که در سال قبل غلبی بالغ بر ۳۰۰ تومان از بانک تعاونی میگرد و طبق معمول سال بعدش هم نمیتواند بپردازد تا اینکه اسامال بسر افش آمده ، جابجا اموالش را مصادره کردند ، این دهقان بیچاره از مال دنیا فقط کوساله ای داشت که تمام خانواده برای نگهداری او چه مشقات فراوانی را متحمل نمیشدند و این کوساله در حقیقت مرکز امید این خانواده به شمار میرفت ، بدستور مامور بانک کوساله را سر بریدند و گوشت آنرا کیلو کیلو فروختند .

غالباً ناصر آبادی ملاک در مصادرات اموال بدون دخالت نیی ماند . چون اوست که اگر دهقانی قدرت پرداخت نداشته باشد فوری با وی قراردادی بسته مقداری از پول بانک را می پردازد و در عوض دهقان و فامیلش را برده خود میسازد و مامورین بانک و زاندار امری نیز هیچگاه بدون صلاح حدید او بکاری دست نی زنند ، ناصر آبادی غیر از نفوذ در ده خود با ملاکین بزرگ ده یالغیز آتاج نسبت دارد . غذای عسادی دهقانان این ده نان و ترب است . اکنون نزدیک به ۲۰ نفر از مردان ده محل سکونت خود را ترک کرده اند و عده ای از آنها در همدان و تهران مشغول عملگی هستند و چندین نفر نیز ناپدید شده اند .

پنجاه . . . بقیه از صفحه ۱
امریالیست آمریکا و انگلستان فرار را بر قرار ترجیح داد و به دامان ارباب خود امریالیسم انگلستان پناه برد و در آغوش ارباب خود جان سپرد . پسر رضاخان که بجای پدر نشاندندش در برابر رستاخیز خلق ابتدا خود را به موش مردمی زد ، ارتجاع تا حدودی نیروی خود را از دست داد و جنبش خلق اوج گرفت .

اعتلا ، جنبش خلق و پیروز جنبش طبقه کارگر امریالیسم های اشغالگر آمریکا و انگلستان را به تکلیف انداخت که پس از تقویت نیروهای ارتجاعی و شاه پرداختند . آنها شاه را در دامان خوب پیروزند ، با توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۴۷ او را محروم و رام کردند ، و بالاخره با کودتای ۲۸ مرداد او را که از خشم مردم مانند پدر خود به خارج گریخته بود دوباره به تخت سلطنت نشاندند و افزار سرکوب نیروهای دموکراتیک پیروز و سازمانهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر کردند . این فرزندان نیز مانند پدر بهترین فرزندان خلق را به چوبه اعدام بست و ایران را مانند پدر خود به گورستانی تبدیل ساخت . این پسر که خیانت و جنایت و از پدر به ارث برده بود در خیانت به سه میهن و جنایت نسبت به خلق های ایران بر پدر سبقت جست میهن ما را قطعه قطعه کرد و به امریالیست ها فروخت و دارو ندار مردم ایران را بتاراج غارتگران داد ، منابع نفت را بسا قرار داد های ۱۳۴۳ و ۱۳۵۲ تا آخرین قطره به سرکشیهای نفتی بین الطلی سپرد ، در قیام و سوء اخلاق کثرتشاهی بیای شاه عاری از مهر میروند و این از خصایص تمام اعضای خاندان پهلوسی است .

تبلیغات وسیع و باره پیشرفتهای ایران در تمام

یکمین سال آزادی کامبوج

" دولت کامبوج ، دولت کارگران ، دهقانان و همه " اقتدار دیگر زحمتکشان کامبوج است . چنین است ماهیت دولت کامبوج آنطور که در قانون اساسی جدید آمده است . و این کاملا طبیعی است . خلقی که با زور اسلحه ، طوسی جنگی طولانی با تحمل مصائب و دادن قربانی ها ، دولت پرشالی گوش فرمان امپریالیسم را سرنگین ساخته و امپریالیسم را از کشور خود رانده ، قدرت را خود در دست میگیرد ، دو از آن اوست .

از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ که خلق کامبوج تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج ، پس از پنج سال جنگ علیه دولت کودتا و امپریالیسم آمریکا پیروزی بزرگی بدست آورد و میهن خود را از یوغ استعمار رهایی بخشید یکسال میگذرد . راز موفقیت این خلق کوچک که توانست غول عظیم آمریکا را از پای درآورد در اینست که با ثبات متحد ، با تکیه بر نیروی خود بهیچاست و علیه امپریالیسم آمریکا و دولت لون نول دست به مبارزه مسلحانه زد . از مشکلات نهرا سید ، از عظمت نیروهای دشمن در بیم نشد ، زیر بار مداخلات بیجای دیگران و از آنجمله سوسیال امریالیسم شوروی نفت . خلق کامبوج نمونه در خط این حکم است که هرگاه خلقی هراندازه کوچک هم که باشد مصمانه بخاطر نیل به آزادی و استقلال بر خیزد میتواند بر دشمنی برانگیزد و پیروز گردد . خلق کامبوج تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج و خط مشی صحیح و انقلابی آن تجسم این حکم است .

خلق کامبوج پس از پیروزی بر دشمنان خارجی و داخلی اکنون در جبهه ساختمان اقتصادی ساختمان سوسیالیسم میروند . در اعلامیه دولت کامبوج دموکراتیک گفته میشود : به افتخار انتخاباتی که صورت گرفته است " کارگران ، دهقانان و ارتش انقلابی ما ، آمادگی مبارزه و شور و شوق خود را در چندان کرده اند ، بر مساعی خود بخاطر ساختمان سدها و حفر کانالها افزوده اند تا اقتصاد خود را تقویت کنند ، کشور خود را بسازند و به پاسداری از آن همت گمارند ، تا یک کامبوج مستقل ، یکپارچه ، صلح دوست ، بیطرف و غیر متعهد بوجود آورند ، کامبوجی که از حاکمیت ملی برخوردار است ، جامعه ای که در آن ، نیکبختی ، مساوات ، عدالت و دموکراسی واقعی حکمفرما است ، جامعه ای که در آن نه از طبقات ثروتمند و استثمارگر اثری است و نه از طبقات فقیر و استثمار شونده " .
خلق کامبوج بدین ترتیب در مبارزه خود وارد مرحله نوینی شده است : مرحله ساختمان سوسیالیسم . خلق کامبوج همانطور که توانست یکدل و یکجان بر مبارزه با امپریالیسم پیروزند بیرون آید بیچین تحت رهبری جبهه واحد ملی کامبوج در جبهه ساختمان سوسیالیسم نیز متحد و هم آهنگ به موفقیت های درخشانی نائل خواهد آمد . سازمان ما در این روز یکمین سالگرد پیروزی انقلاب به خلق کامبوج در روز می فرستد و کامیابیهای او را در جبهه ساختمان سوسیالیسم صمیمانه آرزو مند است .

زمینه ها و رسیدن ایران به " دروازه های تمدن بزرگ " از سر گرفته شد ، سازمان " اندیشمندان " جای " سازمان پژوهش افکار " را گرفت که به تدوین " فلسفه انقلابات شاهانه " پرداخت ، ارتش ایران دوباره آنچنان نیرومند از آب درآمد که گویا قنار است در برابر هجوم خارجی بایستد و . . .
اما علی رقم جنجال شاه برای زدن لکه های تنگ از دامان دودمان پهلوی ترازنامه پنجاه سال سلطنت سلطنت پهلوی سیاه است . پنجاه سال است که مردم ایران در زیر ظلم و ستم کم سابقه ، خاندانی جبار و بیگانه بسر میبرند ، خاندانی که اعضای آن تشنه خون اند ، تشنه اند و خشن شورش اند ، برای کسب مال از هیچ راهی ، هرچه ننگین هم باشد ، روی نمیگردانند ، در فساد و فحور زیاده خاص و عام اند .
شاه اکنون پنجاه سال زندگی سراسر تنگ و تنگ خاندان خود را جشن میگیرد . اما خلق های ایران در این آتش میسوزند که نه تنها به سلطنت سلسله پهلوی بلکه همراه با آن و یکبار برای همیشه به سلطنت و شاهنشاهی که مدت ها است دوران آن سپری گشته پایان دهند و بدون تردید پایان خواهند داد .

ستایشگر... بقیاض صفحه ۴ که شوروی برای ترانزیت گاز از کشور خود سالیانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز "برایگان دریافت میکند و از آن به‌عنوان کلید جریان گاز بسوی کشورهای غربی در دست اتحاد شوروی است که از آن می‌تواند در موقع لزوم بعنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار استفاده کند. آیا اینها همه کافی نیست برای آنکه اسکندری در سخنرانی خود در "شکره" ۲۵ وضع ایران را از یاد ببرد؟ آیا باز هم می‌شود تردید داشت که شعار سرنگونی شاه توسط ارگانهای تبلیغاتی ریزیزوینست‌ها مانند همه سیاست آنها تابعی از متغیر شوروی است؟ انشعابگران کف‌دراسیون را باید تهنیت گفت که از ستایشگران شاه دفاع میکنند و خطر ریزنده آنها همکاری بسا ستایشگران شاه است.

مداح همیشه سعی دارد مرکب تخیل خود را آنچنان بتکاپو در آورد تا در مداحی از دیگر مداحان گوی سبقت برآید. اسکندری در زمره چنین مداحانی است. البته برای "داروسته" کمیته مرکزی "شکره" های حزب ریزیزوینست شوروی همیشه "تاریخی" است اما اسکندری این بار آنرا "نه تنها برای مردم شوروی بلکه برای تمام کمونیست‌های دنیا یک واقعه تاریخی" خوانده است. راست هم میگوید "شکره" ۲۵ "شکره" تاریخی است. تاریخی بودن "شکره" ۲۵ در اینست که میدان را برای احیای کامل و تمام سرمایه داری انحط دولتی متمرکز برای تقویت بازهم بیشتر نیروی نظامی تجاوزکار شوروی برای تکمیل و افزایش تسلیحات عادی انی و هسته‌ای برای برآورد انداختن جنگ جهانی جدید می‌گشاید.

اسکندری باز هم در کار مداحی آنچنان پیش میرود که اتحاد شوروی را ناجی بشریت می‌نماید. به بینید آنچه

امیرالیسم... بقیاض صفحه ۴ را که باید در راه رشد تولید بکار افتد بتاراج می‌برد. بدینسان راه را بر رشد اقتصاد ملی می‌بندد و کشور را در حال عقب ماندگی نگاه میدارد. نگاهی به ترکیب صادرات کشور را ماکهای حقیقت است. صادرات ایران را در واقع نفت تشکیل میدهد و از این لحاظ کشور نمونه کشور محصول واحد است و وابستگی شدید آن از همین جا شروع میشود. در سال جاری صادرات نفتی بیش از ۹۷ درصد مجموع صادرات کشور است و تنها ۳ درصد صادرات به محصولات دیگر اختصاص دارد در حالی که در سال پیش صادرات مواد نفتی ۸۸ درصد مجموع صادرات بود. بدین ترتیب بدنبال آخرین قرارداد شاه خائن با کسرسیوم بین المللی نفت که بنابر آن ایران گویا سرنوشت امور نفت را در کف خود گرفته وابستگی ایران به امپریالیسم شدت بیشتری یافته است.

اکنون به بنیم ترکیب آن ۳۰ درصد صادرات محصولات غیر نفتی چیست؟ صنایع "ایران در این صادرات چه سهم دارد؟" مجله تهران اکونومیست ترکیب صادرات غیر نفتی را به شرح زیر می‌آورد: ۱- مواد اولیه معدنی که نسبت ارزش صادرات آن به ارزش کل صادرات غیر نفتی ۷ درصد است؛ ۲- محصولات کشاورزی مرکب از پنبه، میوه های خشک، برنج، گندم، زرد، رشته شیرین بیان و... که نسبت ارزش آنها نسبت به ارزش کل صادرات غیر نفتی ۳۸ تا ۴۰ درصد است و مهمترین آنها پنبه و میوه های خشک است. ۳- محصولات جنگلی یا چوب به نسبت ۱ درصد؛ ۴- محصولات حیوانی شامل پشم، کرک، موی، انبیا پوست و زرده که نسبت ارزش آنها از ۷ تا ۱۲ درصد است؛ ۵- محصولات دریایی شامل ماهی و خاویار که نسبت ارزش آنها گاهی به ۳ درصد میرسد؛ ۶- محصولات گار دست مانند فرش که مهمترین صادرات ایران بوده است و اکنون در رقابت با فرش کشورهای دیگر بتدریج بازار خود را از دست میدهد. در ۱۳۵۱ نسبت ارزش صادرات فرش به کل صادرات غیر نفتی ۲۷ درصد بوده است. نتیجه اینکه صادرات سنتی با غیر صنعتی ما ۸۳ تا ۹۰ درصد کل صادرات غیر نفتی را تشکیل میدهد و صادرات محصولات "صنعتی" کشور فقط ۱۰ تا ۱۷ درصد کل صادرات غیر نفتی است که آنهم تقریباً از حدود کمتر بود رختشویی، صابون، گلیسرین، تریکو انواع پارچه فراتر نمی‌رود و بیشتر در بازگانی پایایی با اتحاد شوروی مورد استفاده قرار میگیرد و به اتحاد شوروی امکان میدهد که درازا این واردات از ایران قراردادهای تجاری با ایران به بند

میگوید: "در حقیقت تمام کشورهای که از یوغ استعمار آزاد شده اند صرف نظر از اینکه این امر را قبول کنند یا خیر در تحلیل نهائی آزادی خود را به اتحاد شوروی مرهون هستند." این آقا که مدعی است مارکسیست است فراموش میکند که آزادی خلق‌ها فقط با دست خود آنها، با مبارزات انقلابی آنها امکان پذیر است. خلق چین برهبری حزب کمونیست چین ۲۵ سال علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی جنگی و آزادی خود را بدست آورد. اما برهم اسکندری آزادی خلق چین کار خود خلق نیست کار خروشچیف‌ها و برزف‌ها است! خلق ویتنام نزدیک به سی سال برای آزادی خود از زنجیر امپریالیسم فرانسه و سپس آمریکا جنگید و با تحمل شقاوت و مصائب فراوان و محرومیت‌های بی‌شمار در این جنگ پیروز گردید. اما برهم اسکندری خلق ویتنام آزادی خود را مرهون مبارزات قهرمانانه خود نیست، مرهون اتحاد شوروی است! خلق الجزایر بیش از هشت سال برای آزادی خود جنگید. قربانیهای فراوان داد اما برهم اسکندری خلق الجزایر آزادی خود را مرهون جنگ آزاد بیخش خود نیست، مرهون اتحاد شوروی است! ما نمیدانیم چرا آقای برزف برای آزادی خلق‌های ایران تصمیمی نمیگیرد و "ورنی" نمیخواند؟! مارکسیسم پیامور که آزادی خلق‌ها در آخرین تحلیل یا در اولین رگبار خود خلق‌ها است اما اسکندری را بسا مارکسیسم چکار! وظیفه او دفاع از مارکسیسم و انقلاب نیست ستایش از سوسیال امپریالیسم شوروی است.

اسکندری در پایان نطق خود کینه ضد انقلابی خود را نسبت به جمهوری تودای چین ابراز داشته است تا رضایت خاطر ارباب را بطور کامل فراهم آورد. او چین را مخالف

و محصولات صنعتی خود را با بهای گران بکشور ما بفروشد و از این راه او هم سهمی در استثمار خلق ما داشته باشد. اگر ارقام را خلاصه کنیم از کل صادرات کشور ما ۹۷ درصد به نفت تعلق میگیرد و از سه درصد باقیمانده ۲/۵ تا ۲/۷ درصد آن سهم صادرات سنتی است فقط ۳/۳ تا ۵/۰ درصد سهم صادرات محصولات "صنعتی" است. اگر جزاین بود بی‌عجب نمودی! زیر سلطه امپریالیسم و باد ست امپریالیسم تیتو به عقب ماندگی کشوریایان بخشید. معلوم است این ادعای شاه و رژیم که یک بازار صادراتی بیست میلیارد دلاری برای محصولات "صنعتی" ایران پیش بینی میکند و این ادعای دیگر شاه که بزودی ایران بزودی در ردیف پنج کشور صنعتی بزرگ جهان قرار خواهد گرفت تا چه اندازه لاف‌زنی پهلوان پنبه است. این نکته را هم اضافه کنیم که ما وقتی از امپریالیسم حکیم مذهب را در نظر داریم و مفهوم ماهیت است و از لحاظ ماهیت امپریالیستی میان امپریالیسم‌ها (سوسیال-امپریالیسم نیز امپریالیسم است) هیچگونه تفاوتی نیست. البته در نیای امروز امپریالیسم آمریکا و سوسیال-امپریالیسم شوروی برای تاراج و استثمار خلق‌های جهان از امکانات عظیم برخوردارند که در اختیار کشورهای امپریالیستی دیگر نیست. بر اثر همین امکانات است که استیلا بر سراسر جهان را در دست می‌گیرند و در رقابت خود بخاطر سیادت بر جهان دنیا بازی‌های جنگ جهانی جدیدی می‌رانند. اتفاقات در امکانات به هیچوجه صنعتی تفاوت در ماهیت نیست.

کشور ما امروز مانند طعمه‌ای است که وحوش امپریالیست بدریدن آن مشغول اند. وظیفه مانیست که درندگانی مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و غیره را بعلت نیروی عظیم آمریکا بدست فراموشی بسپاریم تا چه رسد باینکه بغارت و استثمار آنها بهانه‌های موهوم صحه گذاریم. امپریالیسم آلمان در بازار وارداتی ایران مقام اول را احراز کرده و جای امپریالیسم آمریکا گرفته است؛ انگلستان و فرانسه با استفاده از وضع کنونی جهان در غارت ثروت و استثمار مردم ما سهم کوچکی ندارند. البته امپریالیسم آمریکا در حال حاضر دشمن عمده خلق‌های ایران است و سوسیال امپریالیسم شوروی خطر بخیار بزرگی برای آزادی و استقلال کشور ما است ولی بهر تقدیر وظیفه ما مبارزه بخاطر براندختن امپریالیسم است و تنها با براندختن سلطه امپریالیسم میتوان در راه صنعتی شدن واقعی کشور گام گذاشت و میتوان وضع ملکت را از ناپسا مانی کوچکی که امپریالیسم پیروزه امپریالیسم آمریکا علت التخلل است بدر آورد.

امر صلح و اتحاد شوروی را هوادار صلح نمایانده است آیا امروز کسی هست که نداند که اتحاد شوروی دامن‌تسلح خود را بوضع وحشتناکی توسعه میدهد و با آمریکا به مسابقه تسلیحاتی خطرناکی دست زده است؟ اینهمه تسلیحات شوروی برای خوردن یا حتی آب‌کندن نیست و باید روزی به کار اوقند. اما اسکندری شوروی را فرشته صلح معرفی میکند همانگونه که گوبلز رایش سوم را هوادار صلح میخواند.

شوروی هوادار صلح است ولی يك مليون سرباز بسا تجهیزات کامل در مرزهای چین نگاه داشته است، شوروی طرفدار صلح است اما کشتی‌های جنگی او در مدیترانه و دریای شمال و در آبهای سراسر جهان زندگی مردم را تهدید میکند، شوروی طرفدار صلح است اما نیروی عظیمی در کشورهای اقلاد خود در اروپا و در مغولستان متمرکز ساخته است شوروی هوادار صلح است اما بودجه یکصد و ده میلیارد دلاری هر روز سلاح مخرب جدیدی میسازد. تسلیحات شوروی دفاعی نیست تجاوزی است و اینرا حتی خود ناطق هم میداند. اما وظیفه اسکندری اینست که ماهیت امپریالیستی ماهیت توسعه طلبانه، تجاوزکار و جنگ طلبانه شوروی را از انظار مردم ساده پنهان نگاه دارد. البته وظیفه دشواری است و وظیفه‌ای است از پیش محکوم به شکست. واقعیت شوروی آنچنان عیان است که ما هیچ دروغ و تسبیح‌های نمیتوان آنرا پوشانید.

يك حادثه... بقیاض صفحه ۴ بخش حزب در آلمان مکرانیک مبارز می‌کند علیه سیستم ملی برزحمتکشان در آلمان مکرانیک؛ او مبارزه میکند علیه تجزیه ملت آلمان، ملتی که بنافعش توسط امپریالیستها آلمان غریب و بورژوازی نوین آلمان دموکراتیک خیانت گشته و میشود، که این تجزیه قبل از هر چیز خواست سیادت طلعی امپریالیستی و ایراد است، امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس، میاشد. در این مبارزه، حزب کمونیست آلمان مارکسیست لنینیست نقش رهبری طبقه کارگر را عیاسازد. زیرا که او تنها نیروی است که حقیقتاً و نه تنها در حرف برای آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی مبارزه میکند. زیرا که فقط پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در هر دو بخش آلمان به خلق تعلق خواهد داشت.

بخش حزب در آلمان دموکراتیک این اهداف و نظریات سیاسی خود را طی اظهارهای پیرامون تشکیل خود توضیح داده است.

حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست حزب کل طبقه کارگر آلمان میباشد، او منافع تمام خلق آلمان را نمایندگی میکند، در مبارزه خود برای آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی او در مقابل واقعیتی قرار دارد که امروزه يك ملت آلمان اما دو دولت آلمان و هم چنین برلن غربی که به هیچ کدام از دو دولت آلمان تعلق نمیگیرد، موجود است.

پیروزی انقلاب فقط در صورتی ممکن است که در هر دو بخش آلمان دولت بورژوازی سرکوب گردد، هم در آلمان فدرال عمدتاً توسط طبقه کارگر آلمان غریب، و هم در آلمان مکرانیک عمدتاً توسط طبقه کارگر آلمان شرقی. بدین جهت حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست خود را در سه بخش، بخش آلمان فدرال حزب، بخش برلن غربی حزب و بخش آلمان مکرانیک حزب متشکل میسازد. هر سه بخش اجزای يك حزب متحد مارکسیستی - لنینیستی میباشد. آنها کل طبقه کارگر و کل خلق زحمتکش را تحت يك خواست واحد و عمل واحد تحت يك رهبری مسئول کل حزب، کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست، در صدر آن رفیق ارست است، رهبری میکند.

حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030-ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549711
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

احیاء حزب طبقه کارگر وظیفه مقدم مارکسیست - لنینیست‌ها است!

يك حادثه مهم

در آستانه سال ۷۶ حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست تشکیل بخش حزب در آلمان دموکراتیک را اعلام داشت. این عمل متعبرانه در شرایط سوسیال فاشیسم مستقر در کشورهای تحت قیمومیت سوسیال امپریالیسم روس حادثه‌ای پراهمیت میباشد. تشکیل بخش حزب در شرق آلمان نه تنها پیروزی طبقه کارگر آلمان در مبارزه خود بخاطر انقلاب سوسیالیستی است بلکه بخشی از پیروزی تمام مارکسیستها - لنینیستهای جهان، طبقه کارگر و خلقهای جهان بخاطر انقلاب و سوسیالیسم در مبارزه خود علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و ارتجاع جهانی است.

مذتهاست که در اردوستانه روزیونیست لبریت، هونگر و اربابان روس آنها در دست خروشچف، برزف به منافع طبقه کارگر و خلق آلمان شرقی خیانت کرده اند، مذتهاست که "حزب سوسیالیستی متحد آلمان" به حزب روزیونیستی و حزب بورژوازی سوسیال فاشیست بدل گردیده است. در آلمان دموکراتیک مانند کشورهای اروپای شرقی باستانی آلبانی سوسیالیستی دستاورد. های سوسیالیسم زیر گداشته شده سرمایه داری مجددا احیا شده و حکومت دیکتاتوری فاشیستی مستقر گردیده است. در واقع برگردن طبقه کارگر و خلق زحمتکش آلمان شرقی، ستم و استثمار دوجانبه سنگینی میکند - ستم و استثمار بورژوازی نوین آلمان شرقی و اربابان سوداگر سوسیال امپریالیسم روس. سوسیال امپریالیستهای روس که در داخل کشور خود سوسیالیسم را سرنگون کردند و سرمایه داری را احیا کرده اند، آلمان دموکراتیک را مانند کشورهای دیگر در اروپای شرقی باستانی آلبانی سوسیالیستی - بوسیله بند های بسیار مانند "پیمان تجاوز گرو شو" و "شورای تعاون اقتصادی" تحت قیمومیت خود در آورده اند. لذا خلق آلمان دموکراتیک دیگر از آزادی و استقلال خود برخوردار نیست و باید برزف تا با پیروزی بر سوسیال امپریالیسم و سرنگونی حکومت دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی نوین آلمان شرقی، استقلال ملی را بک آرد و سوسیالیسم را مجددا مستقر کند. فقط از طریق انقلاب در تمام آلمان است که ملت تجزیه شده آلمان مجددا وحدت خود را کسب کرده و فقط از این طریق است که طبقه کارگر و خلق آلمان میتواند شرایط ایجاد آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی را بوجود آورد.

اکنون سالهاست که با پیدایش روزیونیسم مدرن و استقرار آن در بخش بزرگی از کشورهای سوسیالیستی گذشته مارکسیست لنینیست ها و طبقه کارگر در مقابل وظیفهای بس خطیر و وظیفه مبارزه علیه آن قرار دارند. از جانب دیگر شرایط سوسیال فاشیسم موجود در این کشورها شرایط مبارزه را بسیار دشوار میکند. در این رابطه است که تشکیل بخش حزب کمونیست در آلمان دموکراتیک بعنوان عملی ضروری قدم بسیار بزرگی در مبارزه مارکسیستها - لنینیستها، خلقها و طبقه کارگر علیه سوسیال امپریالیسم و دستبند نشاندگان محلی اش میباشد.

این موفقیت، موفقیت خلقها و طبقه کارگر ایران نیز میباشد. سازمان ما از این موفقیت بسیار شادمان است و در این راه برای حزب برادر حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست آرزوی موفقیت بسیار کرده و این کام بزرگ را به حزب برادر و تمام اعضای آن تهنیت میکند.

در ذیل اطلاعیه مطبوعاتی حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست را درج میکنیم:

بخش حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست در آلمان دموکراتیک جهت آلمان متحد، مستقل و سوسیالیستی مبارزه میکند.

بخش حزب در آلمان دموکراتیک طبقه کارگر و خلق زحمتکش آلمان دموکراتیک را بسوی سرنگونی سلطانه دیکتاتوری بورژوازی در آلمان دموکراتیک هدایت خواهد کرد. او را ی استقرار مجددا دیکتاتوری پرولتاریا در آلمان دموکراتیک مبارزه میکند. این مبارزه علیه بورژوازی نوین در آلمان دموکراتیک و سوسیال امپریالیستهای روس که بخش عمده انقلاب سوسیالیستی در آلمان دموکراتیک میباشند ست میکنیم. بقید صفحه ۳

کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان مارکسیست لنینیست با اطلاع میسراند که در آستانه سال ۷۶ بخش حزب در آلمان دموکراتیک تشکیل گردیده است. بخش حزب در آلمان دموکراتیک تحت رهبری کمیته مرکزی حزب و در صدر آن رفیق ارنست است شروع بکار کرده است.

بخش حزب در آلمان دموکراتیک بر اساس خط مارکسیستی لنینیستی حزب کمونیست آلمان مارکسیست - لنینیست، آن - چنانکه در اظهاریه حزب در زمان تشکیل خود - سال ۶۹/۶۸ و اسناد دیگر بیان گردیده است و طبق موازین تشکیلاتی مارکسیستی - لنینیستی فعالیت میکند.

ستایشگر شاه و آرایشگر سوسیال امپریالیسم

وقتی در برابر اربابان خود قرار میگیرند ایران و مردم آنرا فراموش میکنند. تریبون "ککره" ۲۵ میتوانست وسیلهای باشد که از پشت آن بتوان سیاهکاری های رژیم شاه را به جملنیان عرضه داشت. ولی برای اسکندری تریبون "ککره" ۲۵ جایی است برای ستایش ارباب برزف و نه برای بیان سرنوشته سیاه خلق های ایران در زیر سر نیزه های شاه تبهکار. یادآوری کنیم که انعقاد قرارداد سه جانبه میان ایران اتحاد شوروی و آلمان غربی دوباره به "کمیته مرکزی" امکان داده است که این اقدام شاه پستاید و از آن پشتیبانی کند. قرارداد سه جانبه فروش گاز بنظر این آقایان "سخت ارزان" برای "شهرها و روستاها" فراهم میآورد، به "توسعه صنایع گوناگون در شمال و مرکز کشور امکان" میدهد، "به بسط سریعتر صنایع سنگین و ایجاد صنایع جنسی می انجامد" و "با توجه به مجموعه آنچه گفته شد حزب توده ایران قرارداد جدید چند جانبه فروش گاز ایران را اقدامی مثبت و ارزنده تلقی میکند". اگر این امر مسلم است که در ایران هیچ اقدام بویژه اقدام مهمی مانند قرارداد سه جانبه گاز نیست که از شاه منشا نکیرد و به فرمان او انجام نشود روشن است که آقایان "کمیته مرکزی" همانطور که قرارداد ۹ مرداد ۱۳۵۲ شاه و کسریوم را ستودند دوباره اقدام جدید شاه را "اقدامی مثبت و ارزنده" شمرند که گویا برای "روستاها" "سخت ارزان میآورد"، "به توسعه صنایع گوناگون و بسط سریعتر صنایع سنگین و ایجاد صنایع جنسی می انجامد". کافی است شاعر درباری صبا این مضامین را در قصیده "غرائسی بگجاند تا مداحی شاه به سرحد کمال برسد.

این نکته را هم فراموش نکنیم

روزنامه های مهم و پرنفوذ رژیم شاه نطق اسکندر یکی از اعضا "دارودسته" کمیته مرکزی را در مجمع نمایندگان بورژوازی نخواست شوروی که بر آن نام "ککره" ۲۵ حزب ککو اتحاد شوروی گذاشتند تمامی منتشر ساختند. پس از انتشار متن کامل دفاعیه های خاوری و حکمتجو در مطبوعات ایران، اینک سخنرانی اسکندری در صفحات مطبوعات ایران انعکاس مییابد. شکفت انگیز است. رژیم شاه که متن دفاعیه های فرزندان خلق مانند پاک نژاد، گلکشی مهدی رضائی و دیگران را اجازه نمیدهد از درون پرورده ها دادستانی ارتش خارج درز کند و با جملاتی سرواستکسته و تحریف شده از آنها را برای درج در مطبوعات مزدور خود میفرستد. همین رژیم شاه که از انتشار هر کتاب یا نشریاتی که بوی از مارکسیسم بدهد شدت جلو میگیرد و نویسندگان و ناشرین آنها را کفر میدهد، همین رژیم که داشتن و خواندن نشریات اپوزیسیون و از آنجمله و بویژه نشریات سازمان ما را جرم تلقی میکند که مستوجب سالیها زندان است، در همین رژیم دفاعیه های اعضای "کمیته مرکزی حزب توده ایران" و سخنرانی نماینده این "حزب" در مسکو در "ککره" ۲۵ حزب روزیونیست شوروی در مطبوعات منتشر میگردد. راز این معمای شگرف لابد خود این آقایان بهتر میدانند! جالب اینست که در سخنرانی اسکندری که متن آن گم به گم از روی روزنامه "پرودا" ترجمه شده مطلقا نامی از شاه و رژیم وی در میان نیست، اشارهای به مبارزات خلق های ایران و طبقه کارگر ایران که قربانی میدهد و میزهد بیان نیامده است. این آقایان که از بلندگوی شوروی "پیک ایران" و در ورق پاره های خود شعار "سرنگونی رژیم شاه" را سر میدهند

امپریالیسم سرچشمه عقب ماندگی ایران

شاه ایران برای میدان دادن به ورود سرمایه های خارجی باین بهانه متوسل میشود که کشور ایران برای رسیدن به "روازة های تمدن بزرگ" "انقره به سرمایه خارجی احتیاج ندارد که به تکنیک و تکنولوژی کشورهای صنعتی واکس سرمایه خاری را به کشور فرامیخواند برای آن است که همراه با آن تکنیک و تکنولوژی در کشور راه یابد. اما چه کسی نمیداند که تکنیک و تکنولوژی از دیرباز وسیله پیروزی سرمایه داران در میدان رقابت و وسیله غارت و استثمار خلقهای جهان بوده و میباید. باید ابله یا دغل بود برای آنکه فکر کرد که امپریالیست ها دستاورد ها و داناتی علمی و فنی خود را در اختیار کشورهای دیگر بگذارند تجربه کشور ما در مسئله نفت آموزنده است. پس از هفتاد سال که امپریالیست ها استخراج و صنایع نفت را در اختیار دارند و هنوز هم چرخهای صنایع نفت مبادست متخصصین خارجی میگرد و هنوز گدازد شش چرخهای آن در دست انحصارهای امپریالیستی است و بییقین تا کار بر این منوال است، وضع چنین است. شایع خود به همین پدیده اشاره میکند. وقتی با زبان فارسی سروا شکسته میگردیم آخرین پدیده علم و تکنولوژی را میسازند و در هفتان باز پدید میآید که من میگویم و یا در روز بعد از اینکه پایم را از آن اطاق بیرون گذاشتم از کارتی افتد "معلوم نیست این ادب و فضلای بی رستار چه میکنند که شاه نمیتواند سزومعیک جمله فارسی را بهم بیآورد" البته در دنیا گویی، امپریالیست ها برای استثمار و غارت بیشتر خلقها و ایجاد این اندیشه نادرست که گویا برشند صنعتی کشورهای کم رشد "کک" میسازند، موسسات تولیدی در این کشورها ایجاد میکنند ولی این موسسات چیزی جز شعبه موسسات تولیدی شرکتهای بزرگ خارجی در سرزمین مانیت است. این موسسات در کشور ما همه بکارمندان می پردازند و محصولات و نامرغوب به قیمت گران عرضه میکنند و مردم کشور را با دست نوکران پستی مانند شاه به خرید آنها وادار میسازند. امپریالیست با این عمل خود نه تنها در کار صنعتی شدن کشورها گامی برنمیگذارد بلکه از این طریق از صنعتی شدن کشورهای در حال رشد و بطور کلی از اینکه این کشورها روزی از محصولات کشورهای امپریالیستی بی نیاز گردند جلو میگیرد. این خصوصیت امپریالیست ها که رقیبان بازار را از پای در آورند. پس چگونه ممکن است با وجود داشت آنها با دست خود در وجود کشورهای کم رشد رقیبانی برای محصولات خود بترانند. کشورهای صنعتی "سالیها از صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه جلو گیری کردند و وقتی نتوانستند این سیاست را ادامه دهند ضایعی را که به نیروی انسانی و هزینه بیشتر نیاز داشت به آنها عرضه کردند تا بازم سود بیشتر از آن خودشان باشد و کشورهای در حال توسعه پیوسته در حال مونتاژ و با وارد کردن ماشین آلات گاهی مواد اولیه گران صنایع مرخص خود باشند". (تهران اکونومیست شماره ۱۱۲۰ مورخ ۸ آذر ۵۴).

بقول معروف آنقدر شور است که خان هم فهمیده است. توسعه صنایع مونتاژ در کشور ما یکی از طرق جلو گیری از صنعتی شدن کشور است و یکی از طرق غارت بیشتر و استثمار بیشتر خلقها ما است. همین "انتقال سرمایه و ثروت از کشورهای فقیر بسوی کشورهای غنی" یکی از مهمترین عوامل سیر قهرقرائی زندگی مردم کشورهای در حال توسعه است. (همانجا) که مردم ایران علی رغم درآمد هنگفت نفت نمونه آندند. کشورهای کم رشد و عقب مانده سرچشمه حیات امپریالیسم چگونه امپریالیسم میتواند سرچشمه حیات خود را بخشکاند؟ و ایران یکی از این کشورها است. ترقیات افسانه واری که برای ایران میسرند قصه هایی است که شاه برای خواب کردن مردم میگوید.

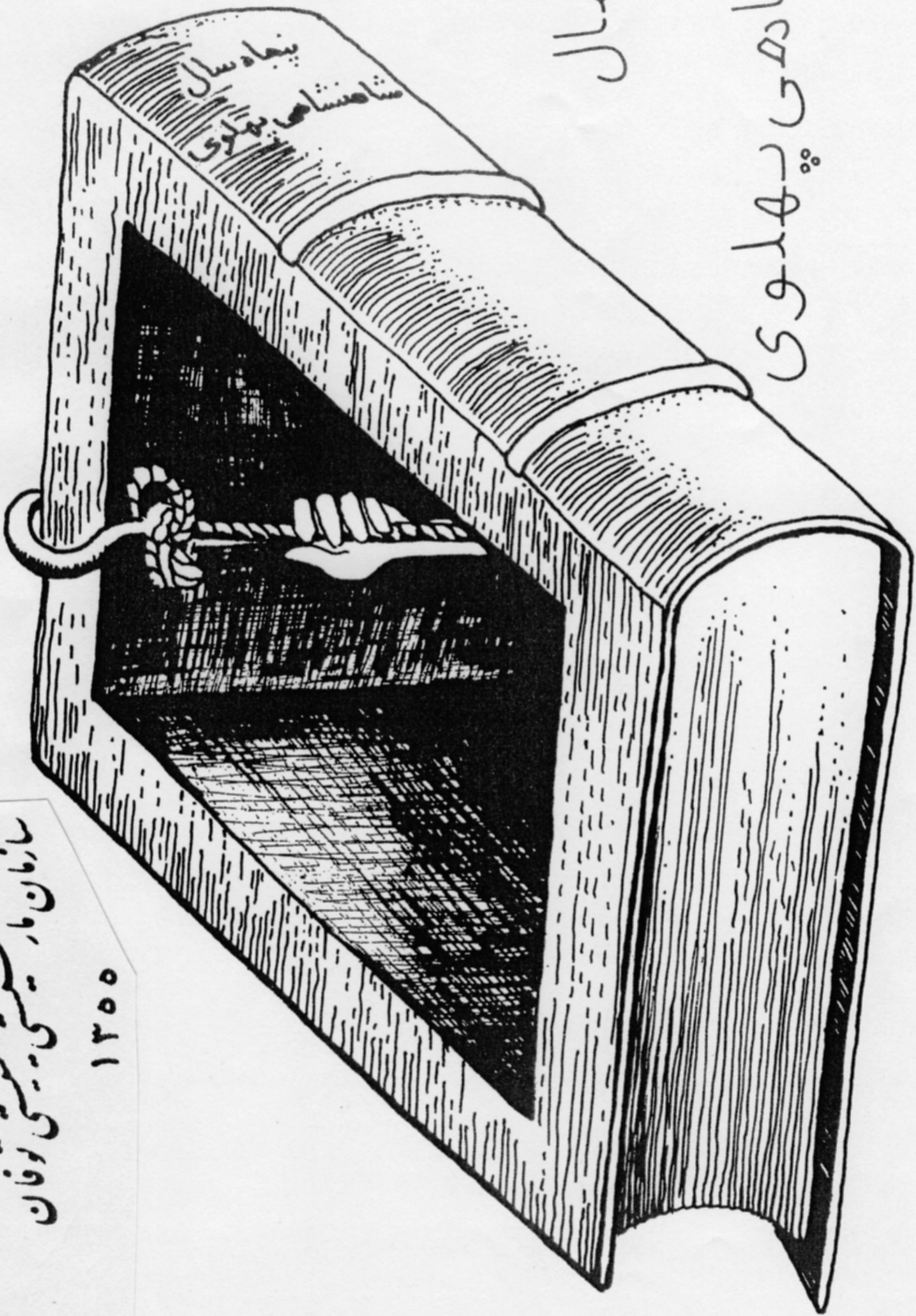
امپریالیسم از کشور ما مواد خام و مواد اولیه بویژه نفت و گاز میبرد، در درون کشور به دستمز ارزان دسترس دارد، محصولات صنعتی و حتی کشاورزی خود را به بهای گران میفروشد و از این راه ثروتهای ملی ما را و سرمایه های

درد پر شور به کارگران ایران!

تاریخ پنجاه سال سلطنت و در مان پهلوی چیزی جز سیاهی و زندان و اعدام نیست .

پنجاه سال

شادمانده می پهلوی



۱۳۵۵

سازمان مارستی فرهنگی توفان